info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۶۳۸

یکشنبه / ۱۳ آبان / ۱۴۰۳

۱ / جمادی الاولی / ۱۴۴۶

03 / November / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگانی اندیشه زمان

مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: زهره حیدری

نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری

تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱

امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰

چاپ: کارگر

فال ۱۴۰۳

امروز با حافظ

بیا ای ساقی گُل‌رُخ، بیاور باده رنگین
که فکری در درون ما، از این بهتر نمی گیرد
صُراحی می کشم پنهان و مردم دفتر انگارند
عجب! گر آتش این زَرق در دفتر نمی گیرد

خواجو

به خلوت هر که رخت از حلقه جمعیت اندازد
زگردابِ خطر خود را به مهد راحت اندازد

صائب تبریزی

اذان کرج — اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۰۵	۰۶:۳۱	۱۱:۵۰	۱۷:۰۷	۱۷:۲۶

برگ

موفقیت معلم بدی است زیرا افراد باهوش را بـه این فکر می‌اندازد کـه امکان ندارد شکست بخورند...

بیل گیتس

گزارش روز

پرونده اصلی: غنی‌سازی جرأت!

مگر می‌شود کسی دغدغه هسته‌ای‌شدن دیگران را داشته باشد و از فعالیت‌های هسته‌ای و حتی ساخت بمب اتم توسط رژیم‌صهیونیستی چشم‌پوشی کند؟ مگر می‌شود کسی دغدغه دمکراسی داشته باشد و با کشورهایی که بویی از مردم‌سالاری در آنها به مشام نمی‌رسد هم‌پیمان باشد؟ مگر می‌شود کسی داعیه حقوق بشر داشته باشد و با رژیم کودک‌کش صهیونیستی نرد عشق بیازد؟ و دهها مگر دیگر.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، بیش از ۳۰ سال است که نظام سلطه برای اعمال فشار بیشتر به جمهوری اسلامی ایران، پرونده‌ای تحت عنوان هسته‌ای را ساخته و پرداخته تا به بهانه آن تحریم‌ها و فشارهایی را تحمیل کند و هراژگاهی آن را دفع می‌کند تا این شرایط ادامه یابد.

البته پیش از پرونده هسته‌ای و در کنار این پرونده، موضوعات دیگری مثل حقوق بشر راهم‌بهانه کرده و می‌کند تا حلقه فشار را تنگ و تنگ‌تر کند.

نگاه عمیق‌تر به رفتار آمریکا و هم‌پیمانانش به‌وضوح این حقیقت را آشکار می‌سازد که هیچ‌کدام از این موارد ریشه در واقعیت ندارد و صرفا بهانه‌جویی است؛ مگر می‌شود کسی دغدغه هسته‌ای‌شدن دیگران را داشته باشد و از فعالیت‌های هسته‌ای و حتی ساخت بمب اتم توسط رژیم‌صهیونیستی چشم‌پوشی کند؟ مگر می‌شود کسی دغدغه دمکراسی داشته باشد و با کشورهایی که بویی از مردم‌سالاری در آنها به مشام نمی‌رسد هم‌پیمان باشد؟ مگر می‌شود کسی داعیه حقوق بشر داشته باشد و با رژیم کودک‌کش صهیونیستی نرد عشق بیازد؟ و دهها مگر دیگر.

پس ریشه این خصومت‌ها را کجا باید جستجو کرد؟

پاسخ‌های مختلفی به این پرسش می‌شود داد؛ یکی از آنها «استقلال» است.

آری استقلال جمهوری اسلامی ایران که در صدر شعار محوری آن یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» نمایان است، یکی از ریشه‌های اساسی این دشمنی است نظام سلطه، دیگران را سلطه‌پذیر می‌خواهد و استقلال جمهوری اسلامی مانع این سلطه‌پذیری است و این یعنی «همزمن نظم مورد علاقه سلطه‌گران! این استقلال طلبی نیازمند صیانت همه‌جبهه است و «جرأت» یا «جسارت» لازمه این صیانت است؛ با ترس و واهمه از نظام سلطه، استقلال طلبی شعاری پیش نیست؛ جرأت انتظام سلطه پیوسته از ابزارهای گوناگونی برای ارعاب و تهدید و اگر لازم شد اعمال تهدید استفاده می‌کند و کشورهای بزنل و مستارادنه نمی‌توانند در این راه استقامت لازم را داشته باشند و سرانجام تسلیم دشمن می‌شوند.

مشکل نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی ایران به اینجا ختم نمی‌شود؛ چراکه استقامت شجاعانه این نظام برای حفظ استقلال خود، او را به جایگاه «دولت مقاومت» ارتقا داده و این دولت به‌تدریج جرأت و شجاعت را به دیگران نیز تزریق کرده و امروز شاهد شکل‌گیری جبهه مقاومت از یمن تا لبنان و حتی نقاط دیگر جهان هستیم.

به‌عبارت دیگر، اتهام و پرونده اصلی جمهوری اسلامی ایران نه غنی‌سازی اورانیوم بلکه غنی‌سازی جرأت و شجاعت و صدور آن به نقاط دیگر عالم است و این، دوران جدیدی را رقم زده است حال اگر این دولت مقاومت به هر طیفی یا پس بکشد و از استقلال خود با شجاعت پاسداری نکند، نه‌تنها برگرترین دستاورد خود طی بیش از ۴۴ده گذشته را تباه می‌کند، بلکه ضربه‌ای مهلک به این مسیر و رویکرد وارد می‌سازد؛ اینجاست که باید مراقب باشیم دشمن دچار خطای محاسباتی نشود!

دشمن بی‌پاسخ‌گذاشتن تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران عزیز را حمل بر خردمندی و خویشتن‌داری نخواهد کرد و از آن، ترس یا ناتوانی برای پاسخگویی برداشت می‌کند و این برداشت بدون تردید، او و خیالش را دچار یک خطای محاسباتی می‌کند؛ این خطای محاسباتی موجب گستاخی دشمن و ادامه تجاوز و سنگین‌تر کردن فشار به جبهه مقاومت و خود ایران خواهد شد.

پاسخ ایران ذیل راهبرد بازدارندگی فعال باید حساب‌شده، دقیق، میتکرلیه و در زمان و مکان مناسب باشد و همچنان در این پاسخ نه تعلل باید کرد و نه شتابزده عمل کرد.

پاسخ هوشمندانه و مقتدرانه ایران با هدف پیشگیری از خطای محاسباتی رژیم‌صهیونیستی، غنی‌سازی جرأت را رقم می‌خنند و قدرت بازدارندگی ایران عزیز را دوچندان می‌کند.

مهدی فضائلی
کارشناس مسائل سیاسی

دیدگاه

وقاحت به سبک ژرمن‌ها

تاریخ‌نگاران، آلمان را سرزمینی با حافظه تاریخی سنگین و مملو از زخم‌ها و لکه‌های پاک‌نشدنی می‌دانند. مردم آلمان سال‌ها تلاش کردند تا لکه ننگ هیتلر و جنایات نازیسم را پاک کنند اما چه تاسف‌آور است که امروز، در کمتر از یک سال، آلمان دوباره با مواضع بیروک و هم‌قطارانش به گونه‌ای عمل می‌کند که نام خود را در کنار نسل‌کشی‌ها و جنایات وحشیانه می‌بیند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، این روزها وزیر خارجه آلمان، آنالنا بربوک، در اوج انتقادهای ضد ایرانی خود، تناقض‌های بی‌پایان سیاست خارجی غرب را بیش از همیشه به جهان نشان داده است. با کمال ناباوری، بربوک در حالی از اجرای عدالت درباره تروریستی به نام جمشید شارمهد در ایران شدیداً خشمگین است که همزمان، کشتار هزاران کودک بی‌گناه فلسطینی توسط اسرائیل را «دفاع مشروع» می‌نامد و با صراحتی بی‌سابقه تاکید می‌کند که آلمان از حمایت خود از اسرائیل هیچ ابایی ندارد؛ حتی اگر این حمایت به هدف قرار دادن غیرنظامیان و نابودی مراکز محافظت‌شده مانند بیمارستان‌ها و پناهگاه‌ها منجر شود.

شاید هیچ چیز بهتر از این سیاست‌های دوگانه، استانداردهای دوپهلوی اروپا را آشکار نمی‌کند. این موضع‌گیری آشکار آلمان نه تنها به عنوان یک خیانت به اصول اخلاقی تعبیر می‌شود، بلکه شاهد دیگری بر این واقعیت است که عدالت و انسانیت در چشم غرب فقط پوششی خوش‌رنگ و لعاب برای منافع سیاسی است. این اظهارات تلخ و بی‌پرده، نه‌تنها معیارهای دوگانه آلمان را در قبال حقوق بشر آشکار می‌کند، بلکه بوی متعفن ریاکاری را از پشت شیشه‌های براق سیاستمداران اروپایی به مشام می‌رساند و حتی اگر هزاران دلگلن‌هایی به نام حقوق بشر به خود ببندند، باز هم برای افکار عمومی دنیا غیر قابل تحمل هستند. تاریخ‌نگاران، آلمان را سرزمینی با حافظه تاریخی سنگین و مملو از زخم‌ها و لکه‌های پاک‌نشدنی می‌دانند. مردم آلمان سال‌ها تلاش کردند تا لکه ننگ هیتلر و جنایات نازیسم را پاک کنند اما چه تاسف‌آور است که امروز، در کمتر از یک سال، آلمان دوباره با مواضع بیروک و هم‌قطارانش به گونه‌ای عمل می‌کند که نام خود را در کنار نسل‌کشی‌ها و جنایات وحشیانه می‌بیند! این حال، اگر آلمان به حقایق تاریخی و عبرت از گذشته‌های تلخ خود اهمیت می‌داد، هرگز چشمان خود را بر بمباران‌های بی‌امان اسرائیل بر سر مردم بی‌پناه غزه نمی‌بست و از جمشید شارمهد به عنوان یک تروریست که دستش به خون کودکان ایرانی آلوده است، دفاع نمی‌کرد و کشتار هزاران کودک فلسطینی را به عنوان یک ضرورت استراتژیک نمی‌پذیرفت. جالب این که اقدام ایران برای اعمال مجازات یک تروریست را که به شکلی کاملا قانونی و حقوقی صورت گرفته است خلاف حقوق بشر می‌داند و ایران را به تعطیلی کنسولگری‌هایش در آلمان تهدید می‌کنند ولی بمب های ۸۰ تنی رژیم صهیونیستی را دفاع مشروع می‌نامد! امروز اروپا حتی در نقش تماشاچی هم شکست خورده است، نه تنها در عرصه ایجاد صلح، بلکه حتی در نقش حداقلی یک ناظر بی‌طرف هم اروپا ناکام ماند.

از مکرون گرفته که تنها با یک رُست استعماری، به فجایع لبنان اشاره‌ای سطحی می‌کند، اما هیچ انکار عملی از سوی او برای آتش‌بس دیده نمی‌شود تا آلمان و دیگر دولت‌های اروپایی که با رغم انبوه ادعاهایشان، حتی در حفظ ظاهر حقوق بشری خود هم شکست خورده‌اند و در تعادل بین رُست انسان‌دوستی و منافع خود در حمایت از اسرائیل، اروپا به شدت زمین خورده و تناقضات سیاست‌هایش کاملا برملا شده‌اند.

بربوک و هم‌قطارش با حمله به برخورد عادلانه ایران با یک تروریست و دفاع بی‌چون‌وچرا از جنایات اسرائیل، ثابت کردند که آن چه برایشان مهم است، حقیقت یا انسانیت نیست، بلکه قدرت و منافع خودشان است و با قوانین و چارچوب‌هایی که به نفع خودشان بنا نهاده‌اند، حتی بزرگ‌ترین جنایات را می‌توان به‌سادگی و با ادبیاتی گل‌وبلبل توجیه کرد. اگر قرار باشد کشورهای غرب آبرو یا این معیارهای دوگانه غربی خود را تنظیم کنند، آن گاه باید به جای دفاع از مرزهای خود، امنیت و حاکمیتشان را به تروریست‌هایی چون داعش و جیش الظلم واگذار کنند؛ همان گروه‌های خطرناکی که تحت حمایت غرب در حال فعالیت هستند! این گونه است که چهره زشت و کریه تمدن غربی در مقابل ملت‌های دیگر برملا می‌شود. تمدنی که به نام حقوق بشر، جان انسان‌های بی‌گناه را می‌گیرد و با ادعاهای دروغین خود دست به توجیه این کشتارها می‌زند و واقعیت کثیفی از یک نظام امپریالیستی را آشکار می‌سازد.

تناقض رفتاری وزیر خارجه آلمان من را یاد جملات «جرج بوش» رئیس جمهور آمریکا به «حامد کرزای» رئیس جمهور افغانستان می‌اندازد زمانی که کرزای از بوش می‌پرسد اگر کسی در افغانستان چند نفر را بکشد، شامل تروریست می‌شود؟ بوش جواب می‌دهد: خیر، تروریسم زمانی است که منافع آمریکا در خطر باشد.

جعفر یوسفی

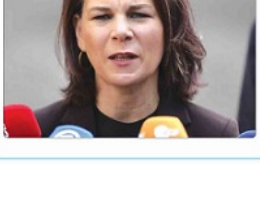

اشاره

رقابت رتبه‌ها با سهمیه‌ها

سال‌هاست موضوع اختصاص سهمیه‌های کنکور به برخی از داوطلبان ورود به دانشگاه‌های دولتی به یکی از چالش‌های اصلی آزمون سراسری و عرصه رقابت داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تبدیل شده و اعتراض برخی داوطلبان را به همراه داشته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از قدس، سال‌هاست موضوع اختصاص سهمیه‌های کنکور به برخی از داوطلبان ورود به دانشگاه‌های دولتی به یکی از چالش‌های اصلی آزمون سراسری و عرصه رقابت داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تبدیل شده و اعتراض برخی داوطلبان را به همراه داشته است.

با این حال این سهمیه‌ها در کشور ما به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهکارهای حمایتی همواره مورد توجه بوده که هدف اولیه آن، ایجاد فرصت‌های برابر برای گروه‌های خاصی از جامعه عنوان شده است.

نخستین شکل از سهمیه‌بندی‌های کنکور به سال ۱۳۴۸ برمی‌گردد؛ در آن زمان، دانشگاه‌های شهرستان‌ها برای جذب دانشجویان محلی، اختیار عمل بیشتری پیدا کردند؛ اما سنگ بنای سهمیه‌بندی کنکور به شکل امروزی در سال ۱۳۶۱ شکل گرفت و در سال‌های ۶۸ و ۹۳ هم برخی اصلاحات در سهمیه‌ها اعمال شد تا در نهایت، سهمیه‌بندی کنکور به شکل امروزی درآمد.

حضور حداقل ۱۰ نوع سهمیه در کنکور سراسری

در حال حاضر به نظر می‌رسد دست‌کم ۱۰ نوع سهمیه در کنکور سراسری اعمال می‌شود؛ سهمیه مناطق، معمول‌ترین شکل سهمیه‌بندی کنکور است که کشور را به سه منطقه تقسیم می‌کند؛ اولویت پذیرش با داوطلبانی است که در همان منطقه درس خوانده‌اند؛ مثلاً شهرهای محروم در منطقه۳ قرار دارند و داوطلبی که سهمیه منطقه۳ دارد، باید در دهانه نخست با داوطلبان همین منطقه رقابت کند. تهران و برخی کلانشهرها در زمره منطقه یک قرار دارند و بیشتر شهرهای کشور هم شامل منطقه۲ می‌شوند.

همچنین سهمیه مناطق زلزله‌زده و سیل‌زده هم در سال‌های اخیر اضافه شده و شامل داوطلبانی است که در این مناطق درس خوانده‌اند. این سهمیه، ۵درصد ظرفیت مازاد پذیرش دانشجو را شامل می‌شود.

از سوی دیگر، سهمیه ایثارگران، رزمندگان و خانواده شهدا نیز فقط یک بار برای گزینش دانشگاه‌های دوره روزانه قابل استفاده است. سهمیه رزمندگان به اعضای خانواده فردی تعلق می‌گیرد که حداقل ۶ماه در جبهه‌ها حضور داشته است. سهمیه ایثارگران هم با توجه به درصد جانبازی، شامل سهمیه ۵ تا ۵۱ درصدی در کنکور می‌شود.

سهمیه بهیاران نیز شامل دانش‌آموختگان رشته بهیاری می‌شود که البته فقط برای ورود به رشته پرستاری قابل استفاده است. موضوعی که همواره مورد اعتراض جامعه پرستاری بوده است؛ این سهمیه شامل ۵درصد ظرفیت رشته پرستاری در دانشگاه‌های مختلفی می‌شود.

امایکی از عجیب‌ترین سهمیه‌ها، سهمیه کارمندان دولتی است که شامل کارمندان رسمی وزارت علوم و دانشگاه‌های می‌شود؛ این سهمیه به کارمندان زیر ۳۵ سال سن تعلق می‌گیرد و بر این اساس، ۱۰درصد ظرفیت پذیرش در دوره‌های شبانه به این گروه از کارمندان اختصاص پیدا می‌کند.

البته یکی از تبعیض‌آمیزترین سهمیه‌ها در سهمیه‌های کنکور به فرزندان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها تعلق می‌گیرد و فرزندان استادان دانشگاه در صورت رسیدن به حد نصاب حداقل ۹۰ درصد نمره یک رشته می‌توانند به هر دانشگاهی که تمایل دارند، انتقالی بگیرند. همچنین درصورت رسیدن به ۹۲.۵ درصد حدنصاب نمره، آخرین فرد پذیرفته شده در سهمیه آزاد می‌توانند حتی در رشته دلخواه خود داخله تحصیل دهد.

در کنار سهمیه‌هایی که به‌طور رسمی وجود دارد، سهمیه‌های غیررسمی نیز وجود دارد که بخصوص در دانشگاه‌هایی مثل فرهنگیان یا دیگر مؤسسات آموزش عالی که مراحل گزینش دانشجو را نیز دارند، اعمال می‌شود. این سهمیه‌ها معیار و شاخص خاصی ندارد و به بررسی افکار و اعتقادات دانشجو می‌پردازند و شاخص‌هایش قابل تفسیر و به سلیقه سیاست‌گذاران بستگی دارد.

با افزایش انواع سهمیه‌ها در سال‌های اخیر بحث‌های بسیاری درباره تأثیر این سهمیه‌ها بر عدالت آموزشی مطرح شده و حالا بیش از چند دهه از وعده تعیین تکلیف سهمیه‌های کنکور می‌گذرد، اما طولانی شدن این فرایند و تبود هماهنگی میان نهادهای مختلف، تعیین تکلیف جدی و غیرنمایشی این پرونده را در هاله‌ای از ابهام فرو برده تا جایی که به نظر می‌رسد عزمی برای ساماندهی این سهمیه‌ها در مسئولان وجود ندارد.

بازنگری در سهمیه‌ها برای برقراری عدالت آموزشی

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرده بازنگری در سهمیه‌ها برای برقراری عدالت آموزشی ضروری است. وی گفت چنین سهمیه‌هایی، به‌ویژه در رشته‌های پرطرفدار مانند پزشکی موجب می‌شود افراد با امتیازهای نامتعادله وارد دانشگاه شوند و از این رو نظام آموزشی باید بازنگری جامعی در این سهمیه‌ها انجام دهد تا دسترسی برابر را فراهم کند.

بسیاری از داوطلبان و حتی برخی مسئولان آموزش عالی اعمال سهمیه در آزمون‌ها را نوعی تبعیض و مغایر عدالت آموزشی در کشور می‌دانند و بر این باور هستند اعمال سهمیه پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد؛ چرا که در گام نخست مانع حضور عده‌ای که دارای شایستگی‌های علمی لازم هستند در دانشگاه‌های معتبر می‌شود و از سوی دیگر عده‌ای بدون اینکه شایستگی‌های علمی لازم را داشته باشند، وارد کلاس‌های درس دانشگاه شده و در نتیجه آن اعتماد به نفس و توانمندی لازم را در عرصه علمی در خود نمی‌بینند و حتی در مواقعی شاهد انصراف این افراد از دانشگاه به دلیل نداشتن توانایی علمی در ادامه تحصیل هستیم.

مجتبی شریعتی نیاسر، معاون آموزشی سابق وزارت علوم معتقد است سهمیه‌های متعدد و پیچیده سبب شده بسیاری از داوطلبان شایسته از فرصت برابر برخوردار نباشند و نیاز به بازنگری اساسی در این سهمیه‌ها وجود دارد.

از نظر او وجود سهمیه‌ها موجب شده عدالت آموزشی به‌درستی برقرار نشود و باید در این زمینه بازنگری جدی صورت گیرد؛ این نامتعادلی‌ها سبب می‌شود افراد با شرایط برابر در مقایسه با افراد سهمیه‌دار، با شانس کمتری در رقابت کنکور مواجه‌شوند.

با این حال برخی معتقدند در بسیاری از مناطق ایران امکانات آموزشی و دسترسی به منابع آموزشی مناسب وجود ندارد و سهمیه مناطق (محروم و کمتر توسعه‌یافته) به دانش‌آموزان این مناطق کمک می‌کند در رقابت با مناطق برخوردار، شانس بیشتری برای قبولی در رشته‌های پرطرفدار داشته باشند.

سهمیه مناطق (یک دو و سه) براساس میزان دسترسی به امکانات آموزشی طراحی شده و براساس آن، داوطلبان هر منطقه تنها با یکدیگر رقابت خواهند کرد. این مسئله منطقی و عادلانه به نظر می‌رسد چرا که افراد شرکت‌کننده در کنکورهای آزمایشی تجربی، ریاضی، انسانی هنر و زبان‌های خارجه در هر منطقه از امکانات مشابه بهره مند نیستند و شهرهای بزرگ‌تر امکانات آموزشی بیشتری دارد و نامتعادله خواهد بود. اگر دانش‌آموزی در یک روستای دورافتاده یا دانش‌آموزی که در بهترین مدارس تهران تحصیل می‌کند وارد رقابت شود.

محمدعلی کی‌نژاد عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در این خصوص می‌گوید: سهمیه مناطق به کاهش نابرابری‌های آموزشی کمک کرده و دانش‌آموزان با متعادل‌ترمناطق محروم می‌توانند با شرایط بهتری در دانشگاه‌ها پذیرفته شوند.

وی با تأکید بر اینکه برخی سهمیه‌ها سبب افزایش عدالت آموزشی می‌شوند، توضیح می‌دهد: ما باید واقعیت نابرابری امکانات آموزشی را در نظر بگیریم. سهمیه‌ها می‌توانند کمک کنند دانشجویان از مناطق کم‌برخوردار به فرصت‌های بیشتری دست یابند و این به توسعه عدالت آموزشی کمک می‌کند.

در این میان برخی هم معتقدند سهمیه مناطق با توجه به افزایش امکانات آموزشی در سراسر کشور نیاز به بازنگری دارد؛ غلامرضا غفاری، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تأکید دارد در بسیاری از مناطق کشور دسترسی به امکانات آموزشی بهبود یافته و این می‌تواند دلیلی برای کاهش یا اصلاح سهمیه مناطق باشد.

سهمیه شاهد و ایثارگر از نخستین سهمیه‌های کنکور پس از انقلاب باقی بود که با هدف حمایت از خانواده‌های شهدا، ایثارگران و جانبازان در دانشگاه‌ها به اجرا درآمد. این سهمیه به‌مدتی‌ها به افرادی چون رزمندگان و آزادگان نیز تعلق گرفت؛ اما بسیاری از کارشناسان معتقدند سهمیه‌های فعلی به‌ویژه سهمیه شاهد و ایثارگر، پس از گذشت سال‌ها نیاز به بازنگری اساسی دارد.

سهمیه‌ها در مسیر اصلاح

یکی از مهم‌ترین انتقادها به سهمیه‌ها، به‌خصوص سهمیه ایثارگران و خانواده شهدا، این است که به دلش‌آموزانی با رتبه‌های پایین‌تر این امکان را می‌دهد در رشته‌های پرطرفدار پذیرفته شوند.

عبدالرضا عاملی، دبیر پیشین شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید: با گذشت بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی جامعه آماری ایثارگران و رزمندگان کاهش داشته است و بنابراین با کاهش جمعیت تبیین‌کننده سهمیه‌های یاد شده درصد شمول سهمیه نیز باید متناسب با شرایط کنونی اما محدوده‌ها مخیر درقولی، دبیر عالی شورای عالی انقلاب فرهنگی از مدافعان ادامه سهمیه شاهد و ایثارگران با اشاره به اینکه این سهمیه‌ها تنها برای حمایت از خانواده‌های ایثارگر و ایجاد فرصت‌های تحصیلی برای آنان است، می‌گوید خانواده‌های ایثارگر ازجمله کسانی هستند که به خاطر خدماشان باید مورد حمایت بیشتری قرار گیرند و این سهمیه‌ها به آن‌ها فرصت می‌دهد از فرصت‌های دانشگاهی استفاده کنند.

با وجود این، عده‌ای بر این باورند موضوع نداشتن صلاحیت علمی استفاده‌کنندگان از سهمیه‌ها صحت ندارد؛ چرا که آن‌ها باید حتما ۷۰ درصد نمره علمی آخرین فرد پذیرفته شده در آن رشته را کسب کنند.

با این حال در سال‌های اخیر اقداماتی برای اصلاح و بازنگری در سهمیه‌های کنکور صورت گرفت تا جایی که سال ۹۸ مسئولان پس از دستور رهبر معظم انقلاب برای ورود به این موضوع مصمم به اصلاح این قانون شدند و با یک اتفاق نظر در اصلاح سهمیه ورود به دانشگاه‌ها پس از تبدیل شدن آن به عنوان مطالبه جدی جامعه، موجب شد مسئولان آموزش عالی کشور با مشورت گرفتن از رؤسای دانشگاه‌ها و لحاظ کردن دیدگاه‌های مختلف، لایحه «ساماندهی سهمیه‌های ورودیه مقاطع مختلف آموزش عالی» را پس از امضای رئیس سازمان سنجش آموزش کشور و وزرای علوم و بهداشت به منظور تصویب، تقدیم دولت کنند.

این لایحه پیشنهاد می‌کرد تمامی سهمیه‌ها براساس استانداردهای مشخص و شفاف تعیین شوند و هر سهمیه تنها در زمینه خاص خود قابل اجرا باشد؛ یعنی هدف این بود تعداد سهمیه‌های موجود کاهش یابد تا فرایند پذیرش ساده‌تر و قابل فهم‌تر شود و سهمیه‌ها براساس معیارهای علمی و عملکردی دقیق و شفاف طراحی شوند تا از پذیرش افراد با رتبه‌های پایین‌تر جلوگیری شود؛ اما در نهایت این لایحه هم در کشمکش میان دستگاه‌های مختلف راه به جایی نبرد و به ساماندهی سهمیه‌ها نرسید.

عبدالحسین خروباد، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره ساماندهی سهمیه‌های کنکور نظر مثبتی دارد و معتقد است برخی سهمیه‌ها نیاز به بازنگری جدی دارند؛ او اشاره می‌کند بسیاری از این سهمیه‌ها از عدالت آموزشی دور هستند و موجب می‌شوند داوطلبانی با شرایط تحصیلی ضعیف‌تر بتوانند به رشته‌های خاصی مانند پزشکی وارد شوند. در حالی که برخی داوطلبان مستعد به دلیل محدودیت‌های موجود از تحصیلی به این رشته‌ها بازمی‌مانند.

وی می‌گوید: شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری سازمان سنجش در تلاش است سهمیه‌ها را به نحوی ساماندهی کند که عدالت بیشتری در پذیرش کنکور رعایت شود که برخی سهمیه‌ها ممکن است حذف شوند، چراکه دیگر موضوعیت ندارند و اجرای آن‌ها نیازمند اصلاح و شفاف‌سازی است.

دو سوم پزشکی تهران برای سهمیه‌ای هاست

همین چند وقت پیش بود که مصاحبه‌ای از محمدرضا اطاق‌فردند، وزیر بهداشت که چند سال پیش ضبط و منتشر شده بود، در فضای مجازی بازنشر شد که در این کلیپ آقای ظفرقندی می‌گوید: «تا چند سال پیش که من آمار دقیق داشتم، ظرفیت ورودی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران ۲۰۰ نفر بوده است، رتبه دو رقمی (کنکور) در دانشکده پزشکی تهران قبول نمی‌شود. می‌دانید معنای این کار چیست؟ یعنی ما بیش از دو سوم ظرفیت را به سهمیه‌ای‌ها واگذار می‌کنیم»

حالا و پس از چند سال مسکوت ماندن این ماجرا مسعود پزشکیان، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در یک مهلت سه‌ماهه به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دستور بازنگری و ساماندهی سهمیه‌های کنکور را داده و این وزارت موظف است حداکثر در مدت سه ماه با همکاری سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی به بازنگری تمامی سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو اقدام و طرح تفکیک استانی سهمیه‌ها را برای تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و اجرا از سال ۱۴۰۵، به ستاد علم و فناوری دبیرخانه این شورا پیشنهاد کند.

حالا باید دید آیا مهلت سه ماهه رئیس‌جمهور راه به جایی خواهد برد و پس از چندین دهه انتظار، اصلاح و بازنگری اساسی در سهمیه‌های گاه نامتعادلانه کنکور و اجرای عدالت آموزشی صورت خواهد گرفت یا نیز هم در بر همان پاشنه قبلی خواهد چرخید و داوطلبان آزاد باید با غول سهمیه‌ها بر سر صندلی‌های دانشگاه مبارزه کنند.

برش

سرهم‌بندی اتلاف وقت و منابع

جامعه ما یک ویژگی بسیار مهم دارد؛ تعداد قوانین و مقررات فراوانی برای حل مشکلات جامعه تصویب می‌شود، درحالی که هر چه می‌گذرد، متوجه می‌شوند که این مقررات یا اجرایی نیست و یا مراحتی دور زده می‌شود یا با اجرای آن، کار از جای دیگری ایراد پیدا می‌کند. حتی ممکن است در عمل با سرمه کشیدن به چشم یا هدف تقویت بینایی، آن را کور کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همهمین، جامعه ما یک ویژگی بسیار مهم دارد: تعداد قوانین و مقررات فراوانی برای حل مشکلات جامعه تصویب می‌شود، درحالی که هر چه می‌گذرد، متوجه می‌شوند که این مقررات یا اجرایی نیست و یا مراحتی دور زده می‌شود یا با اجرای آن، کار از جای دیگری ایراد پیدا می‌کند. حتی ممکن است در عمل با سرمه کشیدن به چشم یا هدف تقویت بینایی، آن را کور کنند.

در یک قرن گذشته در ایران بیش از ۱۱۰۰۰ قانون مصوب شده که اگر با شورهایی که دو برابر ما سابقه قانونگذاری دارند از جمله فرانسه مقایسه کنیم، آنان کمتر از ۴۰۰۰ قانون دارند که نشان می‌دهد ما در یک وضعیت تورمی قانونگذاری قرار داریم و این حتماً آبرو دارد؛ زیرا به‌جای نگاه ریشه‌ای به مسائل به‌صورت فنی و موردی قصد حل آن را داریم.

به تعبیر دیگر، وصله و پینه کردن دردی را درمان نمی‌کند درحالی که مسائل کشور را باید ریشه‌ای و بر اساس تحلیل کلان حل کرد. امروز سه گزارش درباره قانون جدید مهریه؛ تلاف قرزی در ایران و سخنان رئیس‌جمهور در مجلس پیرامون بودجه سال ۱۴۰۴ را در «همهمین» تقدیم خوانندگان محترم کرده‌ایم. اگر بخواهیم فصل مشترک این سه گزارش را بگوییم، بناچار باید به همان جزئی‌نگری اشاره کرد.

تا کنون دهها مصوبه درباره سیاست‌های قرزی و حامل‌های آن داشته‌ایم، درعین‌حال، هنوز نتانها پیشرفتی در شاخص‌های اصلی قرزی نداشته‌ایم که عقب‌گرد هم کرده‌ایم و در این سال‌ها بیشترین هزینه‌های سیاسی را در جریان اصلاحات جزئی سیاست قرزی پرداخته‌ایم. وقتی گزارش مربوط به قرزی را بخوانید، متوجه خواهید شد که چگونه در حال تلاف منابع کشور هستیم و در گذشته که قرزی نقطه قوت ایران بود. اکنون به نقطه ضعف تبدیل شده است.

درباره مهریه نیز با همین وضع مواجهیم. هر روز مطررات جدیدی برای خانواده وضع می‌کنیم؛ درحالی که نهاد خانواده قرن‌های متمادی به وظایف خود می‌پرداخته است و اکنون با این مقررات و دخالت‌های بی‌مورد دچار اختلال شده و ازدواج رو به کاهش و طلاق رو به افزایش است. قانون ازدواج و فرزندآوری نتانها بودجه بسیار سنگینی را بر کشور تحمیل کرده، بلکه موجب افزایش فرزندآوری هم نشده، حتی کاهش هم داشته و ازدواج هم خیلی کم شده است.

در مورد لایحه بودجه هم همین گونه است. هر سال به‌صورت کلیشه‌ای و آیینی ردیف‌های درآمدی و هزینه‌ای ارائه می‌شود، نمایندگان هم به فراخور چیزی را کم یا زیاد می‌کنند و آخرش هم هیچ تحولی را شاهد نخواهیم بود. چرا؟ چون نمی‌خواهیم که لبتا شاخ‌تی کلی از موضوع را که دهیم و بعد در ذیل آن تحلیل و شناخت کلی، ببینیم مسئله و راحل آن چیست.

رول گذشته برای ما عادت شده و می‌ترسیم که ترک عادت کنیم؛ چون می‌ترسیم تبعاتی داشته باشد. بنابراین، به‌صورت اقتضایی تصمیماتی گرفته می‌شود بیشتر شبیه رفوگری فرشی است که تار و پود آن پوسیده است و باید آن را عوض کرد. باید بپذیریم که سیاست قرزی در ایران، با شکست کامل مواجه شده است، و این فقط مختص قرزی نیست. در مورد خانواده هم همین گونه است.

به‌راحتی می‌توان تغییرات شاخص‌های مطلوب حکومت را در هر دو مورد با وضعیت موجود، مقایسه کرد و نشان داد که نه‌تنها در حال پیشرفت و بهبودی این شاخص‌ها نیستیم، بلکه پسرفت آنها روشن است. کمابیش در همه حوزه‌ها وضع مشابهی داریم. باید طرحی نو در سیاستگذاری فراداشت. درغیراین صورت، متغیرهای مورد نظر هر روز بدتر از دیروز خواهد شد.

امروز هم دیر است؛ چه رسد به اینکه به آینده موکول شود. راحل هم، عبور از اختلافات درون‌ساختاری و پذیرش عملی و واقعی شعار «وفاق» در ادامه از حاج حل مشکلات کشور به کارشناسان و پذیرش علم به‌عنوان فصل‌الخطاب و در کنار همه اینها، جلب رضایت مردم از طریق پاسخ مثبت دلنی به مطالبات آشکار آنان است. بدون پذیرش این الزامات، فقط وقت خود و منابع محدود کشور را تلف می‌کنیم.